

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

یونس نگاه

۲۱ دسمبر ۲۰۲۲



یونس نگاه

گوساله و اطلاع ثانی

یک نفر از طالب پرسیده است که این اطلاع ثانی چه معنی می‌دهد و مکتب‌ها و پوهنتون‌های دختران و زنان چه وقت باز می‌شوند؟

طالب گفته که ما نمی‌فهمیم.

نفر پرسیده خیی کی می‌فهمد؟

طالب گفته است شاید نواسه یا کواسه شما.

نفر که مثل باقی غیرطالبان دیرفهم بوده، گپ را نگرفته و پرسیده چطور؟

طالب گفته است: برو در ولسوالی قره‌باغ یک قریه است به نام شاکلا. در داخل شاکلا یک قلعه کلان است. پیش قلعه یک گوساله پیر ایستاده از هوا شیر می‌نوشد. روز چند بار از هوا شیر می‌نوشد و باقی وقتش را صرف جواب دادن به سؤالات سختی چون این می‌کند.

نفر که تصور کرده راستی در آن شاکلا معجزه‌ای جریان دارد، مایک و دوربینش را گرفته بی‌آن‌که به دفتر یا خانه احوال بدهد مستقیم با تکسی دربست به سوی شاکلا راه افتاده است. هی میدان طی میدان، آدرس‌ها را پرسان و جویان به شاکلا رسیده است.

می‌بیند که در گوشه‌ای از شاکلا، راستی یک قلعه کلان افتاده اما هرچه می‌پالد هیچ گوساله‌ای نمی‌یابد. پس به طالب زنگ زده می‌پرسد که ملا صاحب من پیش همو قلعه شاکلا هستم، ولی گوساله این‌جا نیست.

طالب می‌گوید: هست.

نفر می‌گوید بسیار پالیدم هیچ گوساله‌ای اینجا نیست.

طالب می‌گوید آئینه داری؟

نفر که مثل ملت ما بیخی دیرفهم بوده گفته است نی ملاصاحب آئینه ندارم.

طالب گفته است: پس بیا خانه، گوساله را می‌گویم با تو بیاید خانه شما و در آئینه خانه ببین معلوم می‌شود. نفر دویده خانه می‌آید و از دروازه که می‌دراید سلام نکرده به حمام می‌رود تا گوساله را ببیند و جواب سؤالش را بگیرد. اما هرچه می‌بیند غیر از خودش در آئینه گوساله‌ای پیدا نمی‌شود. پس به طالب زنگ می‌زند که ملاصاحب من خانه رسیده‌ام، رفتم در آئینه دیدم گوساله نبود. چرا گوساله را روان نکردی؟

طالب می‌گوید: وطندار روان کردیم. پیش مادرت است. برو از او پرسان کو. وطندار ما رفته قصه را به مادر پیچه سفیدش می‌کند و می‌پرسد که مادر جان گوساله را ندیدی؟ مادرش که آدم مهربان است و نمی‌خواهد قلب ملتش را بشکند می‌گوید: بچیم گوساله آمده بود و به شما سلام داده رفت. ملت می‌پرسد: مادر جان در مورد اطلاع ثانی چیزی نگفت؟ مادرش می‌گوید: نی بچیم به نواسه‌ات می‌گوید. از ما و شما سن بسیار گذشته، گپ‌های سخت گوساله را نمی‌فهمیم.